

دو تا ۱۲۸	تعلیم ۳۲
T = معلم ۱	S = معلم ۲
یک شاگرد با صحبت درباره مرگ و قیام خود در مورد کار خدا صحبت می کند.	

(T) به برنامه " دوره شاگردسازی از رادیو " خوش آمدید. در این مجموعه تعلیمی شما یاد می گیرید که شاگرد عیسی مسیح شوید. این سومین روزی است که دو معلم کار خدا را توضیح می دهند. ما قبلا کار خدا بوسیله شریعت را بررسی کردیم. امروز ما کار خدا بوسیله مرگ و قیام خود توضیح می دهیم. در حالیکه به این برنامه گوش می دهید در دفتر خود یادداشت بردارید یا آنرا ضبط کنید. عنوان تعلیم امروز این است: " یک شاگرد با صحبت درباره مرگ و قیام خود در مورد کار خدا صحبت می کند. "

(S) نکته ۱. چرا در این جهان مرگ وجود دارد؟

کتاب مقدس می گوید وقتی خدا اولین مرد و زن را آفرید او به آنها فرمان داد تا مسئولانه امور زمین را اداره کنند. او همچنین گفت، " از همه میوه های درختان باغ بخور بجز درخت شناخت نیک و بد، زیرا اگر از میوه آن بخوری مطمئن باش خواهی مرد ". اما این مرد و زن از خدا ناطاعتی کردند و در نتیجه خدا با مرگ آنها را مجازات کرد. خدا گفت، " تا آخر عمر به عرق پیشانی ات نان خواهی خورد و سرانجام به همان خاکی باز خواهی گشت که از آن گرفته شدی، زیرا تو از خاک سرشته شدی و به خاک هم بر خواهی گشت " (پیدایش ۳: ۱۹). کتاب مقدس می گوید که همه مردم جهان گناه کرده اند و مزد گناه موت است (رومیان ۳: ۲۳، ۶: ۲۳). در این جهان بخاطر اینکه همه مردم نسبت به خدا و یکدیگر گناه می کنند مرگ وجود دارد. کتاب مقدس می گوید مرگ نتیجه گناه است. کلمه مرگ در کتاب مقدس دارای سه معنی می باشد: معنای روحانی، جسمانی و ابدی.

اول. مرگ روحانی. مرگ روحانی مرگ روح انسان است. این جدایی از حیات خدا می باشد درست مثل جدا شدن یک گل از گیاه آن. همه انسانها با یک روح انسانی خلق شده اند و یکی از نقش های آن توانایی شناخت خدا و مشارکت با خداست. تا زمانی که کسی بوسیله روح القدس تولد تازه پیدا نکرده باشد از نظر روحانی مرده است (افسیان ۲: ۱) این افراد خدا را نمی شناسند و نمی توانند با خدا مشارکت داشته باشند.

دوم. مرگ جسمانی. مرگ جسمانی یا جسمی، مرگ بدن انسان است. این جدایی از بدن و از زندگی بر روی زمین است. بر طبق مزمور ۴۹: ۱۰ و ۱۷، این جدایی از اموال و موفقیت ها و جدایی از دوستان و خانواده عزیز خود می باشد. وقتی کسی جسمی می میرد بدنش در قبر فاسد شده تبدیل به خاک می گردد. بر طبق جامعه ۹: ۶ و ۱۰ آنها دیگر به این جهان باز نمی گردند و در هیچ امری در این جهان نقشی ندارند.

سوم. مرگ ابدی. طبق مکاشفه ۲۰: ۱۴-۱۵ مرگ ابدی، رنج ابدی روح و جسم در جهنم است. مرگ ابدی، جدایی ابدی از حضور و توجه پر محبت خدا است.

(T) نکته ۲. خدا برای حل مشکل مرگ چکار کرد؟

دانشمندان نمی توانند مشکل مرگ روحانی، جسمانی یا ابدی را حل کنند. هیچ مذهب یا جادویی نمی تواند مشکل مرگ را حل کند. کتاب مقدس می گوید که فقط خدا می تواند مشکل مرگ را حل کند. اما از آنجایی که خدا مقدس و عادل است او باید گناه را با مرگ روحانی، جسمانی و ابدی مجازات کند. خدا بخاطر محبت و رحمت عظیمش به انسانها در عیسی مسیح بخاطر گناهان ما بر روی صلیب مرد. خدا بوسیله مرگ عیسی مسیح مشکل مرگ را حل کرد. عیسی مسیح با مرگش بر روی صلیب چه عملی را انجام داد؟

اول. مسیح تنها قربانی کامل برای گناهان ما است. در طول تاریخ مردم قربانی حیوانات را به خدا تقدیم کردند. حیوانات کامل نبودند و علیرغم میل شان می مردند. بنابراین این قربانی ها نمی توانستند مردم را از گناهانشان نجات دهند. اما بر طبق عبرانیان ۷: ۲۶-۲۷ عیسی مسیح بدون گناه بود و داوطلبانه خودش را تقدیم کرد تا بجای ما بمیرد.

دوم. مسیح اضطراب مرگ را بجای ما تجربه کرد. طبق اعمال ۲: ۲۲-۲۴، مسیح " رنج مرگ " را بجای ما تجربه کرد و طبق عبرانیان ۲: ۹ مسیح برای " همه مرگ را تجربه کرد " او رنج و اضطراب " رها و ترک شدن از سوی خدا " (متی ۲۷: ۴۶) را تجربه کرد. اما هر کس که به عیسی مسیح ایمان داشته باشد دیگر رنج، تلخی و اضطرابی را که مرگ برای انسانها دارد نخواهد چشید زیرا عیسی مسیح این رنج، تلخی و اضطراب را بجای آنها تحمل کرد.

(S) نکته ۳. امروزه مردم در مورد مرگ چطور فکر می کنند؟

اول. غیر مسیحیان دائما در ترس گناه زندگی می کنند. در عبرانیان ۲: ۱۵ ما می خوانیم که در تمام زندگی شان " در وحشت مرگ بسر می برند و اسیر ترس " هستند. کسانی که از راه حل خدا در عیسی مسیح بی اطلاع هستند، " ترس، بی قراری، وحشت، لرزش و اضطراب " را تجربه می کنند (مزمور ۵۵: ۴-۶). آنها مرگ را " حفره نابودی " می دانند (اشعیا ۳۸: ۱۷). بسیاری از مردم آنقدر از مرگ می ترسند که حتی نمی خواهند در مورد آن فکر کنند اما اگر شما امروز با نتایج گناه روبرو نشوید، چطور می توانید وقتی در آینده آن اتفاق افتاد با آن روبرو شوید؟

دوم. مسیحیان دائما به امید قیام زندگی می کنند. یک مسیحی می داند که مرگ نتیجه گناه در جهان است. یک مسیحی می داند که بر طبق جامعه ۱۲: ۷ وقتی او جسمی را می شناسد و می پذیرد، اما او همچنین از واقعیت زندگی بعد از مرگ می گردد. یک مسیحی واقعیت مرگ جسمی را می شناسد و می پذیرد، اما او همچنین از واقعیت زندگی بعد از مرگ آگاه است و به آن ایمان دارد. یک مسیحی دیگر از مرگ نمی ترسد زیرا مرگ مغلوب شده و حیات ابدی نهایتا پیروز می گردد. یک مسیحی دیگر از مرگ نمی ترسد زیرا او می داند که وقتی می میرد مستقیما به حضور خدا می رود. کتاب مقدس می گوید که فرشتگان یک ایماندار را که مرده بود به نزد ابراهیم در آسمان بردند (لوقا ۱۶: ۲۲). مسیح میگوید که یک ایماندار وقتی میمیرد بلافاصله با در بهشت خواهد بود (لوقا ۲۳: ۴۳). پولس می گوید که یک ایماندار وقتی می میرد بلافاصله این زمین را ترک می کند و با مسیح خواهد بود (فیلیپیان ۱: ۲۳). مرگ جدایی از بدن جسمانی است که در قبر فاسد می گردد. اما از طرف دیگر بازگشت روح به خانه بنزد خدا می باشد (دوم قرنتیان ۵: ۸). مرگ مثل بخواب فرو رفتن است یعنی بیهوش شدن درباره این زمین و رنجها و بدبختی های آن، اما در عین حال یعنی هشیارانه زندگی کردن در حضور عیسی مسیح (اول تسالونیکیان ۴: ۱۳-۱۴). کتاب مقدس می گوید که مرگ سود است و بسیار بهتر از حیات بر روی زمین می باشد (فیلیپیان ۱: ۲۱، ۲۳). مرگ مسیحیان از دید خدا با ارزش است (مزامیر ۱۱۶: ۱۵). رومیان ۸: ۳۵-۳۹ می گوید که مرگ جسمانی هرگز نمی تواند مسیحیان را از خدا یا محبت خدا برای آنها جدا سازد.

(T) نکته ۴. پس از مرگ چه اتفاقی برای جان ما می افتد؟

اول. ذات انسان از چه تشکیل شده است؟ کتاب مقدس با قاطعیت می گوید ذات انسان تنها از دو قسمت تشکیل شده. یک قسمت مادی به اسم بدن و یک قسمت غیر مادی یا غیر مرعی به اسم جان یا روح که در رابطه با خدا روح نامیده می شود. نفس حیات یا جان داشتن انسان در متی ۱۶: ۲۵-۲۶ جان و در لوقا ۸: ۵۵ روح نامیده شده است. در رابطه با بدن و حیات بر روی زمین قسمت نادیدنی انسان جان نام دارد و در رابطه با خدا این قسمت روح نام دارد.

(S) **دوم.** آیا جان پس از مرگ باقی می ماند؟ در خروج ۳: ۶ خدا به موسی گفت: "من هستم خدای پدرانت، خدای ابراهیم، خدای اسحاق و خدای یعقوب." طبق سخن عیسی در متی ۲۲: ۳۲، "خدا، خدای مردگان نیست بلکه خدای زندگان است." وقتی ابراهیم، اسحاق و یعقوب مردند وجودشان از هستی ساقط نشد. اگر چه بدن آنها هنوز هم در قبر است و روزی قیام خواهد کرد ولی آنها مطمئنا زنده و در نزد خدا هستند.

(T) **سوم.** آیا انسان غیر فانی است؟ طبق اول تیموتائوس ۶: ۱۶ خدا "تنها وجود غیر فانی" است، یعنی هرگز نمی میرد. اما بر طبق اول قرنتیان ۱۵: ۴۲ و ۵۰ در هنگام قیام، بدن فانی بشکل "بی فساد" قیام خواهد کرد. این بدین معناست که در هنگام قیام، انسان غیر فانی می گردد یعنی دارای هستی بی پایان یک حیات کامل همراه با برکت ابدی در حضور خدا می شود. طبق کتاب مقدس تنها مسیحیان در مسیح حیات جاودانی دارند و برای جلال دادن ابدی خدا در روح و جسم مقرر شده اند، غیر فانی نام دارند.

(S) **چهارم.** آیا گناهکاران و عادلان در هنگام مرگ به یک جا می روند؟ کتاب مقدس برای توصیف سه مرحله متفاوت مرگ از کلمه عبری شینول (sheol) و کلمه یونانی هادیس (Hades) استفاده می کند. شینول یا هادیس موقعیت یا مکانی است که شخصی در آن فرود می آید چه بطور سمبلیک چه واقعی. زمینه هر قسمت کتاب مقدس معنای آنرا مشخص می کند. این کلمات گاهی به معنای قبر است (پیدایش ۴۴: ۲۹، ۳۱؛ اعمال ۲: ۲۲-۳۱) فقط بدن همه مردم چه عادلان و چه گناهکاران در این محل فرود می آید چون مسلم است که جانشان به مکان های مختلفی می رود. این کلمات گاهی بمعنای موقعیت مرگ یا هستی بدون جسم می باشد یعنی وضعیت جدایی بین روح و جسم (اول سموئیل ۲: ۶، مکاشفه ۱: ۱۸). در هنگام مرگ روح همه از جسمشان جدا می گردد. اما هیچ قسمتی در کتاب مقدس تعلیم نمی دهد که در هنگام مرگ جان همه مردم به یک محل می رود و بالاخره در بعضی قسمتها این کلمات بمعنی جهنم یعنی محل مجازات ابدی می باشد (تثنیه ۳۲: ۲۲، لوقا ۱۶: ۲۳). در این نمونه ها تنها افراد شریر به جهنم می روند چون عادلان به آسمان می روند.

(T) **پنجم.** آیا جان در هنگام مرگ بیهوش باقی می ماند؟ در یوحنا ۱۱: ۱۱ و اول تسالونیکیان ۴: ۱۳ کتاب مقدس از مرگ بعنوان بخواب رفتن صحبت می کند. این بدین معنا نیست که جان شخص مرده تا زمان رستاخیز بیهوش و بی خیر باقی می ماند. جامعه ۹: ۵-۱۲ می گوید، "مرده ها چیزی نمی دانند ... و آنها دیگر تا ابد در زیر این آسمان نقشی نخواهند داشت ... در عالم مردگان که بعد از مرگ به آنجا خواهی رفت نه کار کردن است، نه نقشه کشیدن، نه دانستن و نه فهمیدن." پس هنگامی که بدن در قبر قرار می گیرد، جان از آنچه بر روی زمین اتفاق می افتد بی اطلاع است. بهرحال جامعه ۱۲: ۷ تعلیم می دهد که وقتی انسان می میرد بدنش به خاک باز می گردد چون منشاء آن هم از خاک است و روح او بسوی خدایی که آن را داده است، باز می گردد. و در فیلیپیان ۲: ۲۳ ما می خوانیم که پولس می گوید، " ... آرزو می کنم که این زندگی را ترک گویم و به نزد مسیح بشتابم." اما در لوقا ۱۶: ۲۲-۲۸ ما می خوانیم که وقتی

مرد ثروتمند شریر مرد و دفن شد چشمانش را در جهنم باز کرد و شکنجه و رنج را تجربه کرد. بنابراین وقتی بدنی در قبر قرار می‌گیرد، جان از آنچه در بهشت یا جهنم اتفاق می‌افتد کاملاً آگاه است.

(S) نکته ۵. در بین مرگ و رستاخیز، مسیحیان چه وضعیتی خواهند داشت؟

اول. پس از مرگ، آیا مسیحیان اول به برزخ می‌روند یا آنها بلافاصله به آسمان و بهشت می‌روند؟

بعضی از مردم ایمان دارند که وقتی مسیحیان می‌میرند ابتدا به برزخ می‌روند که محل آتش، رنج و زجر کشیدن است و در آنجا بطور موقتی برای گناهان قابل بخشش شان بر روی زمین مجازات می‌شوند و بتدریج جانشان تصفیه می‌گردد و آماده آسمان می‌شوند. این یک تعلیم اشتباه است. کتاب مقدس تعلیم می‌دهد که وقتی مسیحیان می‌میرند آنها بلافاصله به آسمان می‌روند. آسمان همچون فردوس توصیف شده (لوقا ۲۳: ۴۳)، همچنین بعنوان خانه پدر با منزل های بسیار (یوحنا ۱۴: ۲)، بعنوان محل جلال (مزامیر ۷۳: ۲۴-۲۵)، بعنوان محل بودن با مسیح (فیلیپیان ۱: ۲۳) و محل بودن با خداوند در خانه (دوم قرنتیان ۵: ۸). طبق دوم قرنتیان ۵: ۸ جدا بودن از بدن، بودن در خانه با خداوند است و طبق فیلیپیان ۱: ۲۳، جدا شدن از زندگی در بدن بودن با مسیح است. و طبق کتاب مقدس محلی به اسم برزخ وجود ندارد. وقتی مسیحیان می‌میرند بلافاصله به آسمان می‌روند زیرا عیسی مسیح قبلاً بهای گناه آنها را پرداخت کرده و آنها را صد در صد عادل شمرده و وعده داده که آنها وقتی او را ببینند مانند او مقدس می‌شوند. بخاطر همین است که مسیحیان خود را در اینجا بر روی زمین تقدیس می‌کنند (اول یوحنا ۳: ۱-۳)!

(T) دوم. وضعیت جان مسیحیان در آسمان چگونه است؟ آنها در آنجا چکار می‌کنند؟ در طی زمان بین مرگ و

قیام مسیحیان بدنهای آنها در قبر است ولی روح آنها یا جانهایشان در آسمان خواهد بود. روح یا جان آنها در آسمان بسیار هشیار و فعال است. طبق مکاشفه ۱۴: ۱۳ آنها از مبارزات، زحمت ها، مشکلات، نگرانی، بیماری، رنج، ترس، درد، گناه و ناراحتی، آرامی خواهند گرفت. بر طبق یوحنا ۱۴: ۲ و ۱۷: ۲۴، آنها در حضور مسیح خواهند بود و جلال او را خواهند دید. یعنی محبت، رحمت، قدوسیت، عدالت، مهربانی و حکمت او را مشاهده و تجربه خواهند نمود. طبق اول قرنتیان ۱۳: ۹-۱۲، نقص ها ناپدید خواهند شد و آنها همه چیز را کاملاً خواهند دانست. بر طبق مزمو ۱۶: ۱۱ آنها از شادی و لذت های ابدی در حضور خدا پر خواهند شد. طبق مکاشفه ۴: ۱۰-۱۱ و ۵: ۱۲-۱۴، آنها خدا را با سرودهای جدید شکر و پرستش خواهند کرد. طبق مکاشفه ۶: ۹-۱۱ و ۷: ۹-۱۷، آنها خدا را شب و روز خدمت خواهند کرد. طبق متی ۲۵: ۲۱ مسیحیان وفادار مسئول خیلی چیزها خواهند شد. مثل فرشتگان که آنها هم بدن ندارند، مسیحیان خدا را با انجام مجموعه ای از کارهای مفید خدمت خواهند کرد. طبق مکاشفه ۲: ۲۶ و ۳: ۲۱ چون آنها با مسیح هستند، مسیحیان در هر امری که مسیح انجام می‌دهد شریک می‌گردند مثل فرمانروایی و قضاوت زمین.

(S) سوم. آیا ارتباط مستقیم بین یک مرده و زنده ممکن است؟ طبق جامعه ۹: ۵-۱۰ وقتی بدن در قبر قرار می

گیرد، جان یا روح یا به حضور خدا می‌رود یا به جهنم. جانها یا روح های مردگان کاملاً از آنچه بر روی زمین اتفاق می‌افتد بی اطلاع هستند. آنها هیچ اطلاعی در مورد انسانها یا وقایع زمین ندارند. آنها حکمتی ندارند تا بتوانند به زندگان مشورتی بدهند. آنها نمی‌توانند تصمیمی بگیرند یا کار خوب یا بدی انجام بدهند. واقعه نوشته شده در اول سموئیل ۲۸: ۸-۱۴ که در آن شائول پادشاه پیش یک فال بین یا واسطه می‌رود و فکر می‌کند صدای سموئیل نبی را می‌شنود که با او صحبت می‌کند به احتمال زیادتر یک صدای جعلی از یک روح شریر است. شائول سموئیل را ندید و حتی فال بین نگفت که او سموئیل را دیده بلکه آن زن فقط روحی را دید که از زمین بر می‌خیزد و چون یک پیر مرد بنظر می‌رسید و ردایی را در بر کرده بود. کسانی که معتقدند می‌توانند با روح مردگان ارتباط برقرار کنند یا آنها می‌توانند بر این جهان تأثیر بگذارند بوسیله ارواح شریر فریب خورده اند. در یوحنا ۸: ۴۴ مسیح هشدار می‌دهد که شیطان یک دروغگو و پدر همه دروغهاست. روح های شریر شیطان، دروغگو هستند. در دوم قرنتیان ۱۱: ۱۴ پولس به مسیحیان هشدار می‌دهد که روحهای شریر در تغییر ظاهر خود و جعل کردن، بسیار با مهارت هستند. در اول تیموتائوس ۴: ۱-۲ او هشدار می‌دهد که روحهای شریر انسانها را فریب می‌دهند و از راستی ایمان مسیحی منحرف می‌سازند. در تثبیه ۱۸: ۹-۱۳ و لاویان ۱۹: ۳۱ و ۲۰: ۶ و ۲۷ خدا هر ارتباطی را با احضار کنندگان ارواح، فال بینان یا واسطه ها، پیشگوها و جادوگران ممنوع می‌سازد. اینها کسانی هستند که می‌گویند می‌توانند با روح های مردگان ارتباط برقرار کنند ولی آنها دروغ می‌گویند و در واقع با روح های شریر ارتباط برقرار می‌کنند. روح های زندگان نمی‌تواند با روح های مردگان ارتباط برقرار کند و روح های مردگان هرگز نمی‌تواند با روح های زندگان ارتباط برقرار کند. روح های مردگان نمی‌تواند تأثیر خوب یا شریری بر روی زمین داشته باشد.

بعضی معتقدند مقدسین می‌توانند برای مسیحیانی که زنده اند و بر روی زمین زندگی می‌کنند شفاعت کنند. منظور از مقدسین روح مسیحیان خاص و مشهوری است که در گذشته مرده اند. آنها به این مقدسین مشهور احترام می‌گذارند و شفاعت آنها را می‌طلبند. اما کتاب مقدس روشنی تعلیم می‌دهد که روح مقدسینی که در گذشته اند نسبت به واقعیهایی که بر روی زمین اتفاق می‌افتد خوابیده اند. بر طبق ایوب ۱۴: ۲۱ روح مقدسینی که در گذشته اند نمی‌دانند که آیا فرزندانشان بر روی زمین ثروتمند یا فقیر شده اند و بر طبق اشعیا ۶۳: ۱۶ نه ابراهیم و نه یعقوب قادر هستند ببینند یا بشنوند که بر روی زمین چه چیزی برای نسل شان اتفاق می‌افتد.

(T) **چهارم.** آیا مسیحیان می توانند همدیگر را در آسمان تشخیص دهند؟ بر طبق لوقا ۱۶: ۹، دوستانی که دوستی شان نتیجه هدایای مادی مسیحیان می باشند در سرای ابدی آسمان از آنها استقبال می کنند. بر طبق لوقا ۱۶: ۱۹-۳۱ در آسمان مردم همدیگر را می شناسند و با هم ارتباط برقرار می کنند. متی ۸: ۱۱ شادی آسمان را با تصویر سمبلیک عروسی نشان می دهد. بنابراین توقع دیدن دوباره همدیگر و داشتن رابطه شادی بخش با یکدیگر در آسمان کاملاً کتاب مقدسی است البته تا وقتی که این رابطه تابع رابطه با مسیح باشد.

اما آیا مسیحیان می توانند اعضای عزیز خانواده شان یا دوستانشان را که مسیحی نشدند بیاد آورند؟ طبق متی ۱۲: ۴۶-۵۰ تمام روابطی که در مسیح نباشد در آسمان ارزش خود را از دست می دهد. بنابراین ما بایستی انتظار داشته باشیم که وقتی ما به آسمان می رویم چیزی درباره اعضای خانواده یا دوستانی که مسیحی نبوده اند بیاد نیاوریم.

(S) **نکته ۶. بعد از قیام از مردگان چه اتفاقی برای مسیحیان می افتد؟**

در آمدن ثانویه عیسی مسیح، او بطور کامل بدنهای ما را قیام می بخشد و تازه می سازد. در فیلیپیان ۳: ۲۰-۲۱ و اول قرننتیان ۱۵: ۴۲-۴۴، کتاب مقدس می گوید که بدنهای مسیحیانی که مرده اند متبدل می شود بطوریکه آنها شبیه بدن قیام کرده و جلال یافته مسیح خواهند شد. بدنهای تازه شده مسیحیان فساد ناپذیر خواهد بود یعنی هرگز پیر، مریض یا ضعیف نخواهد شد. بدنهای آنها جلال یافته خواهد بود یعنی در صفات الهی مثل محبت، قدوسیت، عدالت، قدرت و حکمت خدا شریک می شوند. بدنهای آنها غیر فانی خواهد بود یعنی برای همیشه یک حیات کامل را در برکت ابدی و در حضور خدا ادامه خواهند داد. بالاخره، بدنهای آنها روحانی خواهد بود یعنی تازه شده و کاملاً تحت تسلط روح القدس.

(T) **تکلیف برای هفته آینده**

اول. شما درباره مرگ و قیام چه دیدگاهی دارید؟ اطمینان حاصل کنید که آنچه به آن اعتقاد دارید بر اساس کتاب مقدس می باشد نه تعالیم غلط یا دیدگاه های تخیلی.

دوم. کتابهای دستورعمل " بروید و شاگردان بسازید " را ملاحظه کنید و به آدرس اینترنتی www.dota.net مراجعه کنید. این آدرس را به حروف تکرار می کنم

سوم. هر شنبه تا چهارشنبه به " برنامه دوره شاگرد سازی از رادیو " گوش کنید.